انواع قرار دادن یا گذاشتن در زبان آلمانی

written by مرتضی غلام نژاد | فوریه 10, 2020

سلام دوستان ؛

همانطور که بارها در دروس و مطالب گفته شده است ؛ در زبان آلمانی هر کار یا عملی فعل مربوط به خودش را دارد ، این یعنی اینکه : ما در فارسی میگوییم : من آن گلدان را به روی میز قرار دادم یا گذاشتم – و همین جا همه چیز کاملاً مشخص است ؛ اما در زبان آلمانی ما انواع گذاشتن یا قرار دادن داریم ؛ به زبان ساده تر اینکه باید در پشت زمینه فعل ؛ دقیقاً اشاره کنیم که آن چیزی که ما به روی میز قرار دادیم به چه صورت بوده است؟ ایستاده؟ خوابیده؟ به پهلو و ...

آیا راهی برای درک کردن سریع این نوع افعال وجود دارد؟

برای پاسخ دادن به این سوال من از فعل گذاشتن استفاده میکنم که اگر در فرهنگ لغت به دنبال گذاشتن بگردیم تقریباً به افعال زیر میرسیم

legen قرار دادن ؛ گذاشتن

lassen گذاشتن (هم می تواند به معنی و مفهوم گذاشتنی همچون اجازه دادن باشد و هم اینکه چیزی را رها کردن یا ول کردن)

stellen گذاشتن ، گذاردن

setzen قرار دادن ؛ گذاشتن

که هر کدام از اینها باز با توجه به پیشوندهاش می تواند معنی و مفهومی تازه تر داشته باشد

در ادامه درس به آنها خواهیم پرداخت

اما تفاوت میان legen, stellen, setzen, lassen در چیست؟ و چرا باید این همه فعل وجود داشته باشد؟ (یه قرار دادن که این همه دردسر نداره که 🤔)

خب هرگاه ما بخواهیم چیزی را ببریم به صورت ایستاده در جای قرار بدهیم ؛ مثل : ایستاده قرار دادن یک گلدان به روی میز , آنوقت به سروقت legen میریم

پس legen در تفکر ما فارسی زبان ها یعنی : هر چیزی که ایستاده باشد (مثل : لیوان ؛ گلدان و ...) و ببریم آنرا در جای به همان شکل ایستاده قرار بدهیم

نکته : اگر توجه کرده باشید من همش در جمله ام از ببریم استفاده میکنم به دلیل که دارم سعی میکنم به شما این سیگنال را برسانم که تمامی این افعال Akkusativ هستند یا به زبان ساده تر حرکتی هستند ؛ قرار است از یک نقطه برداشته بشه و به نقطه دیگر برده شود.

stellen بیشتر در تفکر ما فارسی زبان ها به معنی قرار دادن است ؛ مثلاً یک بچه داره راه میره و میخوره زمین ، حالا ما برش میداریم که دوباره به روی پاش قرار بگیرد یا در تفکر آلمانی ترش : به روی پاهاش گذاشتن

ein Kind wieder auf die Füße stellen

یک بچه ها را دوباره به روی پاها گذاشتن

تفکر فارسی : یک بچه را مجدداً به روی پاهاش قرار دادن

پس این فعل هم برداشتی اینگونه دارد که ما چیزی را یا کسی را به صورت ایستاده قرار بدهیم

die Blumen in die Vase stellen

گل را در گلدان قرار دادن یا گذاشتن

میدانیم که گل باید به صورت ایستاده در گلدان قرار بگیرد بنابراین از stellen استفاده کردیم

اما گاهی گفته می شود :

das Geschirr auf den Tisch stellen

ظرف و ظروف را به صورت ایستاده به روی میز قرار دادن

آیا همچین چیزی امکان دارد؟ بله در تفکر آلمانی امکان دارد

مثلاً ما هم می توانیم بشقاب را به روی میز به صورت ایستاده قرار بدهیم و یا اینکه آنرا به صورت خوابیده legen

پس چیزی را به صورت پهن کردن یا خوابیده در جایی گذاشتن میشه legen

پس این بستگی به این دارد که ما چه جوری چیزی را بخواهیم قرار بدهیم

بعضی چیزها را هم می توان به صورت ایستاده قرار داد هم به صورت خوابیده ؛ مثلاً ما می توانیم کتاب ها را به صورت ایستاده در جا کتابی قرار بدهیم یعنی آنها را از پهلو روی هم قرار ندهیم بلکه ایستاده کنار هم بچینیم. پس هر دو حالت legen و stellen امکان پذیر است برای خیلی چیزهای دیگه هم به همین صورت است مانند : ظرف و ظروف یا بشقاب و ... که در بالا به آن پرداختیم

بنابراین در تفکر آلمانی : آدم می تواند بشقاب ها را به صورت ایستاده به روی میز قرار بدهد یا اینکه در کابینت به صورت

خوابیده

du kannst die Teller auf den Tisch stellen, oder auch in einen Schrank legen

تو می توانی آن بشقاب ها را به صورت ایستاده به روی میز قرار بدهی و همچنین در یک قفسه (کابینت) به صورت خوابیده

پس بستگی به نوع قرار دادن یا گذاشتن ما دارد

اما گاهی ما می توانیم چیزی را در درون چیز دیگری قرار بدهیم یا گذاشتن چیزی در داخل چیز دیگر : مثل گذاشتن پول در داخل کیف

das Geld in die Tasche stecken

تفکر آلمانی : گذاشتن یا قرار دادنی که همراه با فرو کردن یا داخل کردن همراست

آن پول را در داخل یا درون آن جیب گذاشتن (با این تفکر که پول را فرو میکنیم توی جیب)

در مورد این افعال و تفاوت هاشون در درس زیر کامل صحبت شده است

خب گفتیم legen به معنی به صورت خوابیده یا به پهلو چیزی را در جایی گذاشتن یا قرار دادن

اما خود این فعل می تواند پیشوندهای داشته باشد که همین به صورت خوابیده را نیز دست خوش تغییر کند

مثلاً چیزی را برداریم ببریم و به صورت خوابیده در کنار چیز دیگری قرار بدهیم ؛ آنگاه فعل مناسب ما anlegen می شود

anlegen کنار چیزی گذاشتن یا قرار دادن (البته مفهوم های دیگری نیز دارد که از مباحث این درس خارج است)

Holz anlegen چوب را در کنار هم گذاشتن ؛ مثلاً شما برای زمستان کلی چوب خردید و حالا میخواهید در یک بخشی توی انباری آنها را در کنار یکدیگر قرار بدهید (به صورت خوابیده دیگه) بنابراین میشود anlegen

توجه داشته باشید که فعل anlegen معانی و کاربردهای زیاد دیگری نیز دارد که ما در این درس تنها به کاربرد : قرار دادن یا گذاشتن آن می پردازیم

اما حال ما یک چیزی را بخواهیم از تن در بیاریم و بذاریمش یک گوشه یا کناری اونوقت به سروقت فعل ablegen میریم

ablegen کنار گذاشتن (با این توضیح که از تن در بیاریمش و یک گوشه ای اونرو بذاریم) مثلاً در آوردن پالتو از تن و آنرا به روی مبل یا صندلی به صورت خوابیده قرار بدهیم یا بذاریم

den Mantel ablegen

آن پالتو را (از تن در بیاریم و به صورت خوابیده در یک جای نامشخصی که مهم هم نیست) قرار بدهیم

Willst du nicht ablegen?

در فارسی : نمی خواهی بکنی؟ یعنی پالتو یا ژاکتت رو از تنت در بیاری (نه اینکه لخت بشه ها تنها رو پوش رو در بیاره)

حال اگر بخواهیم چیزی را برداریم و ببریم به صورت خوابیده درون یا داخل جای قرار بدهیم آنگاه از einlegen استفاده میکنیم

einlegen داخل کردن ؛ وارد کردن یا به زبان ساده تر داخل چیزی گذاشتن (مثلاً یک کف پوش را در داخل یا درون یک کفش به صورت خوابیده قرار بدهیم)

Sohlen in die Schuhe einlegen

کف پوش ها را در داخل یا درون کفش ها به صورت خوابیده قرار بدهیم یا بذاریم

حالا اگر کلاً بخواهیم به صورت نشسته چیزی را در جایی قرار بدهیم اونوقت میشه فعل setzen و با توجه به اینکه می توان چیزی را به صورت های مختلف در جایی قرار بدهیم ، بنابراین فعل setzen هم با پیشوندهاش پاش به این درس باز میشه

absetzen چیزی را از جایی برداریم و به پایین بنشانیم یا قرار بدهیم

die Brille absetzen عینک را از چشم برداشتن و آنرا در روی میز یا روی زمین گذاشتن (نشاندن)

یعنی اینکه ما از خودمان آن عینک را در پایین گذاشتن یا نشاندن

یا مثلاً یک چمدان که در دستمان هست (یعنی بالاست) حالا بذاریم پایین (بذاریم زمین یا بنشانیم در پایین)

Das Gepäck absetzen یا den Koffer absetzen

در واقع پیشوند ab در بیشتر موارد به این معنی است که چیزی را از خود کم کردن مثل اینکه ما عینک را از خود کم کنیم یا چمدان را از خود کم کنیم با این توضیح که برداریم بذاریمش یک جای دیگه به صورت نشانده

شاید خیلی از این موارد گیج کننده باشه اما به تمرین کردن و به مرور زمان کاملاً این موارد برایتان روشن میشود

ansetzen چیزی را در کنار چیز دیگری یا در زیر چیز دیگری به صورت نشسته قرار دادن یا اینکه چیزی را در زیر چیزی نشاندن ؛ مثلاً : جک ماشین را در زیر ماشین به صورت نشسته قرار دادن

Den Wagenheber ansetzen

آن جک ماشین را در زیر ماشین قرار دادن یا نشاندن

در فارسی : زیر ماشین جک زدن

einsetzen چیزی را به صورت نشسته به درون یا داخل چیزی گذاشتن (مانند اینکه به صورت نشسته گلی در زمین یا باغچه مان قرار بدهیم)

Pflanzen einsetzen گیاه را به صورت نشسته در زمین (در داخل خاک کاشتن) گذاشتن

البته این وضعیت یک فعل مشخص دیگری دارد einpflanzen در زمین کاشتن (اما حتماً نباید خودمان در حالت نشسته باشیم)

اما با توجه به افعال گفته شده در بالا ما lassen هم داریم که معمولاً با همان افعال یا دیگر افعال ترکیب میشود و یک جورای معنی اجازه دادن هم میده

برای درک بیشتر این فعل درس زیر را مطالعه کنید

Die Teller auf den Tisch legen lassen

بذاریم یا اجازه بدیم که آن بشقاب ها به صورت خوابیده به روی میز گذاشته شوند یا قرار بگیرند

Die Teller auf den Tisch stellen lassen

بذاریم یا اجازه بدیم آن بشقاب ها به روی میز به صورت ایستاده گذاشته شوند یا قرار بگیرند

جمع بندی کلی :

با توجه به نوع قرار دادن یا گذاشتن

به صورت ایستاده stellen

به صورت خوابیده legen

به صورت نشسته setzen

به صورت فرو کردن یا داخل کردن stecken

که هر کدام از انواع گذاشتن در بالا به چند زیر مجموعه دیگر تبدیل میشود :

abstellen کنار گذاشتن یا کم کردن (مثلاً مبل های کهنه را برداریم (ایستاده هستند دیگه) در انباری بالای سقف خانه قرار بدهیم با این توضیح که کم شدن از پذیرایی یا کنده شدن از اونجا و رفتن یه جای دیگه گذاشته شدند و دیگر هم مورد استفاده قرار نمیگیرند (توی انباری هستند)

die alten Möbel in der Dachkammer abstellen

مبل های کهنه را در اتاق زیر شیروانی (معمولاً به عنوان انباری می باشد) قرار بدهیم (با همان تصویر سازی و توضیحات بالا)

anlegen چیزی را برداریم ببریم و به صورت خوابیده در کنار چیز دیگری قرار بدهیم

einlegen چیزی را برداریم و ببریم به صورت خوابیده درون یا داخل جای قرار بدهیم

ablegen یک چیزی را بخواهیم از تن در بیاریم و بذاریمش یک گوشه یا کناری

ansetzen چیزی را در کنار چیز دیگری یا در زیر چیز دیگری به صورت نشسته قرار دادن یا اینکه چیزی را در زیر چیزی نشاندن

einsetzen چیزی را به صورت نشسته به درون یا داخل چیزی گذاشتن

einstecken چیزی را داخل چیزی گذاشتن یا قرار دادن

نکته : معمولاً پیشوند ein در این حالت ها به این معنی است که چیزی را درون یا داخل چیزی گذاشتن یا قرار دادن

den Brief in den Umschlag stecken

نامه را در داخل یا درون پاکت نامه قرار دادن یا داخل کردن

einen Ring an den Finger stecken

یک انگشتر را در آن انگشت داخل کردن یا فرو کردن

den Schlüssel ins Schloss einstecken

کلید را در قفل فرو کردن یا داخل کردن

تفاوت stecken و einstecken در این است که einstecken یک قدرت و توان بیشتر در هنگام داخل کردن یا گذاشتن چیزی در جایی هست ؛ مثلاً شلوار ما خیلی تنگ هست و ما نیاز به توان و قدرت بیشتری داریم تا چیزی را داخلش بذاریم (فرو کنیم) بنابراین از einstecken استفاده میکنیم و اگر خیلی نیاز به فشار یا توان نباشد همان stecken هم جواب میدهد.

البته نیاز نیست که تا این حد هم حساسیت به خرج بدهیم اما تنها برای درک بیشتر این دو فعل توضیحات دو خط بالا گفته شد.

آموزش رایگان زبان آلمانی – مرتضی غلام نژاد

منبع :